



نقش یارانه

در اقتصاد شهری ایران



□ محمد وهابی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

مقدمه

یکی از زمینه‌های مداخله‌ی دولت در عرصه‌ی اقتصاد، پرداخت یارانه یا سوبسید به کالاها و خدمات ضروری است. این امر به منظور تحقق عدالت اجتماعی و توزیع بهینه‌ی درآمدها در سطح جامعه صورت می‌گیرد. صرف نظر از نوع نظام اقتصادی حاکم، نظام پرداخت یارانه، هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته، با نسبت‌ها و اهداف متفاوت وجود دارد. تعدد و تنوع کالاها و خدماتی که مشمول پرداخت یارانه می‌شوند و حجم یارانه پرداختی برای این اقلام، رابطه‌ی مستقیمی با میزان درآمد دولت‌ها دارد. کشورهای توسعه یافته‌ی صنعتی و آن دسته از کشورها که از انواع درآمدهای رانتی برخوردارند، از این نظر پتانسیل و توان بالقوه‌ی بیشتری دارند. در این کشورها با افزایش درآمد حاصل از فروش ذخایر طبیعی، میزان یارانه پرداختی افزایش می‌یابد تا بر مقبولیت نظام و رضایت و رفاه عامه‌ی مردم افزوده شود. میزان و الگوی تخصیص یارانه‌ها بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد، از این رو با توجه به الگوی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی حاکم بر کشور، از نظر بخشی و جغرافیایی از الگوی توزیع خاصی تبعیت می‌کند و طبیعتاً اثرات مختلف و مشخصی به جای می‌گذارد.

چکیده

از زمانی که اقتصاد ملی و در رأس آن اقتصاد شهری کشور از وابستگی به مازاد محلی یا تولیدات کشاورزی، تغییر پایگاه داد و به مازاد ملی حاصل از فروش نفت متکی شد، به تبع آن دولت به عنوان بزرگ‌ترین متصدی اقتصادی کشور طی دهه‌های اخیر با گسترش تشکیلات دیوان سالاری و تزیق منابع مالی حاصل از نفت (مازاد ملی)، نقش تعیین کننده‌ی در سازماندهی اقتصاد شهری کشور ایفا کرده است. پرداخت یارانه‌ها توسط دولت به منظور تأمین عدالت اجتماعی، کمک به توزیع مجدد درآمدها و حمایت از اقشار آسیب پذیر، یکی از زمینه‌های مداخله‌ی دولت در عرصه‌ی اقتصاد، به ویژه اقتصاد شهری کشور است. نظام پرداخت یارانه‌ی و الگوی یارانه‌های پرداختی توسط دولت اصولاً بر شهر محوری استوار است، بنابراین نمی‌توان بازتابی به جز شهر گرایی از آن انتظار داشت. پیامد این الگوی ویژه‌ی توزیع یارانه‌ها، از یک سو تضعیف فعالیت‌های مولد اقتصادی از جمله فعالیت‌های کشاورزی و از سوی دیگر جابجایی مکانی اقشار روستایی به شهرها است. مقاله حاضر ضمن توجه به ابعاد گوناگون یارانه‌های پرداختی توسط دولت، اثرات و پیامدهای این یارانه‌ها را در اقتصاد شهری کشور بررسی می‌کند.

کلیدواژه: اقتصاد شهری، یارانه، نقش دولت



نسبت یارانه‌ها به هزینه‌های دولتی و روند تغییرات یارانه سرانه

ارقام جدول شماره‌ی (۱) که از آمار سالنامه‌ی حساب‌های ملی سازمان ملل استخراج شده، حاکی از آن است که اگر چه سرانه پرداختی یارانه‌ها در ایران نسبت به بعضی از کشورهای صنعتی پیشرفته بسیار پائین است اما در عین حال در مقایسه با خیلی از کشورهای در حال توسعه از این نظر در وضعیت بالا تری قرار دارد. به عنوان مثال یارانه‌ی سرانه در کشورهای کره‌ی جنوبی، هندوستان، اندونزی و سریلانکا به ترتیب برابر با ۱۵/۹، ۴/۳، ۴/۰ و ۴/۰ دلار و این رقم برای ایران ۴۳/۰ دلار است. همچنین درصد یارانه‌های پرداختی نسبت به کل مخارج برای ایران نیز ۴/۹ درصد کل مخارج دولت محاسبه شده است (رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۴). میزان یارانه‌ی پرداختی توسط دولت در فاصله‌ی زمانی ۱۳۵۳-۵۷

قبل از انقلاب) به طور متوسط ۷۳/۷ میلیارد ریال یا ۳/۷ درصد کل مخارج سالیانه‌ی دولت و در سال ۱۳۵۴، ۴/۷ درصد کل مخارج دولت تشکیل می‌داده است. در سال ۱۳۵۸ این مبلغ به بالا ترین سطح خود در دوره‌ی مورد مطالعه، یعنی ۱۸۹/۶ میلیارد ریال یا ۹ درصد کل مخارج دولت می‌رسد. در سال‌های پس از انقلاب (۶۳-۱۳۵۸) سالیانه به طور متوسط ۱۵۸/۹ میلیارد ریال به پرداخت یارانه‌ها تخصیص یافت و درصد یارانه پرداختی نسبت به کل مخارج دولت برابر ۵/۳ میلیارد شد. نسبت یارانه پرداختی به کل مخارج دولت در سال‌های مورد مطالعه قبل و بعد از انقلاب نشانگر رشد ۱/۵ درصدی این نسبت در سال‌های پس از انقلاب است. علی‌رغم فزونی ظاهری رقم یارانه‌ی پرداختی توسط دولت در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۵ و ۱۳۶۸، چنانچه این ارقام را به قیمت ثابت محاسبه کنیم مشخص خواهد شد که یارانه پرداختی در سال ۱۳۵۴ به مراتب از این ارقام بالاتر بوده است.

جدول شماره (۱): مقایسه‌ی متوسط درصد یارانه به کل مخارج دولت و یارانه‌ی سرانه در کشورهای منتخب

دوره‌ی مورد بررسی	کشور	یارانه به کل مخارج دولت %	یارانه‌ی سرانه به دلار
۱۹۷۵-۱۹۸۶	فرانسه	۵/۳	۲۰/۵
۱۹۷۵-۱۹۸۶	آمریکا	۲/۰	۴۱/۰
۱۹۷۵-۱۹۸۴	آلمان	۲/۹	۳۳/۰
۱۹۷۵-۱۹۸۵	برزیل	۱۰-۹۵	۴۰/۰
۱۹۷۵-۱۹۸۵	ژاپن	۲/۸	۳۳/۰
۱۹۷۵-۱۹۸۵	کره جنوبی	۶/۲	۱۵/۹
۱۹۷۹-۱۹۸۶	ژو	۷/۸	۱۲/۸
۱۹۷۵-۱۹۸۶	هندوستان	۱۷/۵	۶/۲
۱۹۷۵-۱۹۸۶	اندونزی	۲/۲	۴/۳
۱۹۸۰-۱۹۸۶	سری لانکا	۲/۶	۲/۰

(رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۴)

جدول شماره (۲): درصد یارانه پرداختی به کل مخارج دولت در کشور ایران

سال	کل یارانه به میلیارد ریال	کل مخارج دولت به میلیارد ریال	درصد یارانه به کل مخارج
۱۳۵۱/۱۹۷۲	۲/۳	۳۵۵/۱	۱/۰
۱۳۵۲/۱۹۷۳	۱۶/۰	۵۰۲/۰	۳/۱۷
۱۳۵۳/۱۹۷۴	۵۰/۱	۱۵۳۳/۲	۳/۲۹
۱۳۵۴/۱۹۷۵	۲۶/۲	۱۶۱۲/۸	۲/۷
۱۳۵۵/۱۹۷۶	۷۷/۰	۱۹۲۲/۳	۴/۰
۱۳۵۶/۱۹۷۷	۸۹/۷	۲۳۵۵/۲	۳/۶
۱۳۵۷/۱۹۷۸	۷۵/۵	۲۲۸۶/۲	۳/۳
میانگین دوره ۵۷-۵۳	۷۳/۷	۱۹۶۲/۰	۳/۷
۱۳۵۸/۱۹۷۹	۱۸۹/۶	۲۱۰۴/۱	۹/۰
۱۳۵۹/۱۹۸۰	۱۱۲/۰	۲۳۶۷/۶	۴/۸
۱۳۶۰/۱۹۸۱	۱۷۶/۳	۲۸۱۲/۳	۶/۲
۱۳۶۱/۱۹۸۲	۱۸۰/۲	۲۳۱۷/۳	۵/۳
۱۳۶۲/۱۹۸۳	۱۳۸/۶	۲۸۵۶/۵	۴/۰
۱۳۶۳/۱۹۸۴	۱۵۵/۰	۳۵۹۷/۹	۴/۳
میانگین دوره ۴۳-۵۸	۱۵۸/۹	۳۰۰۹/۶	۵/۳

(نسیبی پور آذر، آمار مربوط به سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۵۳، ص ۳۹ و رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۱، ص ۱۳۱)



بود مبالغ زیادی برای تثبیت قیمت محصولات کشاورزی باقی ماند موز، سیب و پرتغال پرداخت می‌شد. در مجموع هدف دولت از پرداخت یارانه‌ها بیشتر جلب رضایت ساکنین شهری به خصوص شهروندان تهرانی و یکی دو شهر عمده‌ی دیگر بود و در نبود نظام سهمیه بندی کالا غالباً تنها این شهر نشینان بودند که بخش عمده‌ی یارانه‌ی پرداختی را دریافت می‌کردند (ضیائی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۷). به لحاظ اقتصادی دوران بعد انقلاب اسلامی را می‌توان به دو دوره مشخص تقسیم کرد: سال‌های ۶۷-۱۳۵۸ که کشور درگیر جنگ

حال چنان چه رقم خام یارانه‌ی پرداختی را نسبت به جمعیت و به صورت « سرانه‌ی یارانه» داشته باشیم، بررسی ما از عمق بیشتری برخوردار می‌شود. یارانه‌ی سرانه در سال ۱۳۵۴ برابر با ۲۲۸۳ ریال بوده است که در سال ۱۳۵۸ به اوج خود یعنی ۵۰۹۶ ریال می‌رسد، اما در سال‌های بعد به دلیل افزایش بیش از حد جمعیت روند نزولی یافته و در سال ۱۳۶۳ به ۳۳۷۳ ریال کاهش می‌یابد. میزان سرانه پرداختی در سال ۱۳۶۳ با توجه به نرخ تورم در این سال، تنها حدود ۶۰ درصد مشابه آن در سال ۱۳۵۴ بوده است (رحیمی و کلانتری

جدول شماره (۳) روند تغییرات سرانه یارانه پرداختی در ایران (۱۳۶۳-۱۳۵۴)

سال	جمعیت به میلیون نفر	کل یارانه به میلیارد ریال	یارانه‌ی سرانه به ریال	یارانه‌ی سرانه به دلار
۱۳۵۴/۱۹۷۵	۳۳/۲۸	۷۶/۲	۲۲۸۳	۳۳/۷
۱۳۵۵/۱۹۷۶	۳۳/۷۱	۷۷/۰	۲۲۸۳	۳۳/۵
۱۳۵۶/۱۹۷۷	۳۳/۶۹	۸۹/۷	۲۵۸۶	۳۶/۶
۱۳۵۷/۱۹۷۸	۳۳/۱۱	۷۵/۸	۲۰۹۱	۲۹/۷
۱۳۵۸/۱۹۷۹	۳۷/۲۰	۱۸۹/۶	۵۰۹۶	۷۳/۰
۱۳۵۹/۱۹۸۰	۳۸/۳۵	۱۱۳/۰	۲۹۷۲	۳۳/۱
۱۳۶۰/۱۹۸۱	۴۰/۸۵	۱۷۶/۲	۳۳۱۵	۶۱/۰
۱۳۶۱/۱۹۸۲	۳۳/۲۸	۱۸۰/۲	۳۳۳۷	۵۰/۷
۱۳۶۲/۱۹۸۳	۳۳/۱۸	۱۳۸/۶	۴۱۳۷	۳۶/۲
۱۳۶۳/۱۹۸۴	۳۵/۹۶	۱۵۵/۰	۳۳۷۳	۳۷/۵

(رحیمی و کلانتری ۱۳۷۱، ص ۱۴۲)

تحمیلی، حصر اقتصادی و انزوای سیاسی بود و ما شاهد گسترش ابعاد مداخله‌ی دولت در همه‌ی عرصه‌های حیات کشور بودیم و از آن به نام دوران « تثبیت اقتصادی» یاد می‌شود؛ دیگری سال‌های «بازسازی اقتصادی» و ترمیم خرابی‌های جنگ و پویایی در عرصه‌ی روابط بین‌المللی یعنی از سال ۱۳۶۷ به بعد که برای رفع اضطرارهای فوق‌الذکر، دولت سیاست متعادل سازی اقتصادی را پیشه کرد و از آن به نام سیاست « تعدیل اقتصادی» یاد می‌شود. در دوران اول سیاست‌های حمایتی دولت در جهت «فراگیری، استمرار و فزاینده‌گی» آن بود و در واقع همه یارانه دریافت می‌کردند. حال آن که در دوران دوم یارانه‌ها اقشار آسیب‌پذیر را هدف خود قرار داده و جهتی «کاهنده» دارند (روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۶۹/۱۰/۴).

به طور کلی با توجه به برقراری نظام سهمیه بندی کالا به نظر می‌رسد که یارانه‌های پرداختی نسبت به سال‌های قبل از انقلاب از توزیع مناسب تری برخوردار بوده و اقشار کم درآمد به طور گسترده تری از آن بهره مند شده اند چرا که میزان سهمیه در سراسر کشور یکسان شد، بنابراین مصرف بیشتر اقشار مرفه به مفهوم برخورداری بیشتر از یارانه‌های پرداختی نیست. از طرفی با تخصیص مبالغ بیشتری از کل یارانه‌ی پرداختی به یارانه‌های تولیدی نسبت به قبل از انقلاب (۱۳/۷ در مقابل ۲۵/۶ درصد)، افزایش تولید و توزیع عادلانه در اولویت قرار گرفته است (نسبی پور آذر، ۱۳۶۹، ص ۸۶). بنابراین در حالی که پیش از انقلاب هدف، تنها، تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از افزایش آن بود پس از انقلاب حمایت از اقشار کم درآمد و کاهش هزینه‌ی خانوار بیشتر به جنبه‌های بازتوزیعی درآمد‌ها توجه دارد. با توجه به دو برابر شدن سهم یارانه‌های پرداختی نسبت به قبل از انقلاب،

۱۳۷۱، ص ۱۰۰). با توجه به میزان هزینه پیش بینی شده برای یارانه‌ها در برنامه‌ی ۵ ساله‌ی اول جمهوری اسلامی انتظار می‌رود که یارانه‌ی سرانه از مبلغ ۳۹۵۳ ریال در سال اول برنامه (۱۳۶۸) به مبلغ ۸۹۷۶ ریال در سال ۱۳۷۲ برسد.

جدول شماره (۴): پیش‌بینی میزان و سرانه‌ی یارانه‌ی پرداختی برای کالاها در برنامه‌ی پنج‌ساله اول

سال	جمع (میلیون ریال)	سرانه (ریال)
۱۳۶۸	۳۹۵۳۰۰	۳۹۵۳
۱۳۶۹	۲۹۰۹۹۶	۵۰۵۰
۱۳۷۰	۴۶۸۰۶۳	۶۱۲۸
۱۳۷۱	۴۶۴۴۳۱	۷۳۶۷
۱۳۷۲	۵۸۰۰۳۱	۸۹۷۶

(وزارت بازرگانی ۱۳۶۸، ص ۴۰۶)

اهداف برقراری نظام پرداخت یارانه‌ی در ایران

هزینه یارانه‌ها در برنامه‌ی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) رقم قابل توجهی از بودجه دولت را به خود اختصاص می‌داد اما از آن جا که انتخاب کالاها و خدمات مشمول دریافت یارانه و توزیع جغرافیایی آن در سطح شهر و روستا بر مبنای درست و اولویت‌های واقعی و ضروری تعیین نشده بودند به همین جهت پرداخت‌ها فاقد جهت گیری باز توزیع درآمد ملی بود. حتی در مواردی این پرداخت‌ها جنبه‌ی ضد تولیدی به خود می‌گرفت. به عنوان مثال در حالی که هزینه‌ی تولیدات باغداری به علت افزایش هزینه‌های تولید (کود، سم، نیروی کار) افزایش یافته



حمایت از تولید کنندگان و تشویق سرمایه گذاری در امر تولید کالاهای اساسی از دیگر وجوه برجسته سیاست یارانه‌ای پس از انقلاب به شمار می‌رود.

بافت و ماهیت یارانه‌های پرداختی

مطالعه‌ی بافت و ماهیت یارانه‌ها اهمیت بسیاری دارد چرا که جذب جمعیت و فعالیت‌ها به سوی بخش‌های خاص اقتصادی، تبعات متفاوتی در فضای شهر و روستا به جای می‌گذارد. یارانه‌های پرداختی را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف به انواع متفاوتی تقسیم کرد که از این میان ما به بررسی یارانه‌های تولیدی (به عنوان مثال فروش نهادهای کشاورزی یا پرداخت ارزی برای مواد اولیه کارخانجات)، یارانه‌های مصرفی (پرداختی مابه تفاوت قیمت فروش کالاهای اساسی مورد نیاز اقشار کم درآمد) و یارانه‌های خدماتی (یارانه‌ی پرداختی برای سیستم حمل و نقل شهری یا زبان کرد شرکت آب و برق) در ایران قبل و بعد از انقلاب می‌پردازیم. قبل از انقلاب به طور متوسط ۱۱/۷ درصد از کل یارانه‌ی پرداختی از نوع تولیدی بود که بعد از

انقلاب این مبلغ به حدود ۲۵ درصد کل یارانه‌ی پرداختی افزایش یافت. میزان یارانه‌ی تولیدی پرداختی پیش بینی شده برای ۱۳۷۰ حدود ۵۳۳ میلیارد ریال است که نسبت به سال ۱۳۶۸ حدوداً سه برابر شده است (رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۱، ص ۸۷). سهم یارانه‌ی مصرفی در دوران قبل از انقلاب بیش از ۸۸ درصد کل یارانه‌ی پرداختی بود و به کالاهایی مانند نان، شیر، روغن، قند و شکر، چای و مانند این‌ها تعلق می‌گرفت. در سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۵۲ نیز، ۷۹ درصد یارانه‌ها از نوع مصرفی بود (همان، ص ۵۷). در این میان گندم با ۴۵ درصد از کل یارانه‌های مصرفی (سال ۱۳۶۸) از بیشترین میزان یارانه‌ی پرداختی برخوردار بود که غالباً هم خانوارهای شهری از آن استفاده می‌کردند.

میزان یارانه‌های خدماتی اگر چه به نسبت اندک است اما به تدریج سهم بیشتری از کل یارانه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد که در این میان بخش حمل و نقل سهم قابل توجهی از این نوع یارانه‌ها را در بر می‌گیرد که آن هم تنها به شهرها اختصاص دارد (ضیائی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹).

جدول شماره (۵): میزان و درصد یارانه‌های پرداختی به تفکیک انواع یارانه‌ی پرداختی قبل و بعد از انقلاب (میلیون ریال)

سال	یارانه‌ی مصرفی		یارانه‌ی تولیدی		یارانه‌ی خدماتی	
	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد
۱۳۵۲	۵۳۹۷	۷۲/۳	۱۸۴۲	۲۵/۶	-	۰/۰
۱۳۵۳	۵۵۳۹۱	۸۷/۰	۸۵۸۷	۱۲/۰	-	۰/۰
۱۳۵۴	۱۰۵۸۹۱	۹۰/۰	۱۱۳۵۷	۱۰/۰	-	۰/۰
۱۳۵۵	۷۵۲۱۷	۹۰/۰	۸۵۲۵	۱۰/۰	-	۰/۰
۱۳۵۶	۵۵۸۳۹	۸۵/۰	۹۹۵۶	۱۵/۰	-	۰/۰
۱۳۵۷	۷۷۵۰۱	۹۰/۱	۴۱۱۸	۹/۹	-	۰/۰
۱۳۵۸	۷۱۶۸۵	۹۰/۵	۷۵۵۷	۹/۵	-	۰/۰
۱۳۵۹	۲۲۷۲۲	۶۱/۰	۱۳۵۶۲	۳۷/۰	-	۰/۰
۱۳۶۰	۵۲۶۷۷	۶۸/۰	۲۷۶۲۹	۳۲/۰	-	۰/۰
۱۳۶۱	۶۷۷۹۷	۶۱/۷	۱۲۲۰۲	۲۶/۰	۱۲۵۲۷	۱۲/۳
۱۳۶۲	۶۵۵۵۸	۶۱/۸	۲۸۲۵۶	۲۶/۶	۱۲۲۶۴	۱۱/۶
۱۳۶۳	۸۰۶۳۹	۶۷/۲	۳۰۳۰۴	۲۵/۲	۹۱۲۸	۱۱/۶
۱۳۶۴	۸۲۱۱۳	۷۰/۶	۳۴۹۲۲	۲۱/۲	۹۳۱۷	۸/۰
۱۳۶۵	۹۷۲۲۸	۷۲/۵	۲۶۰۶۹	۱۹/۵	۴۰۲۵	۸/۰
۱۳۶۶	۷۵۶۴۷	۷۲/۵	۲۴۹۸۴	۲۴/۶	۹۲۹	۰/۹
۱۳۶۷	۶۰۶۸۸	۶۷/۰	۲۳۸۸۲	۲۷/۰	۵۲۲۸	۶/۰
۱۳۶۸	۹۸۳۲	۶۵/۲	۴۱۰۹۰	۲۸/۸	۲۸۱۸	۴/۰
جمع	۱۱۱۱۷۵۲	۷۲/۳	۳۳۳۱۷۲	۲۱/۷	۵۷۲۸۶	۴/۹
متوسط قبل از انقلاب	۳۳۵۳۶	۸۸/۳	۴۴۵۱۶	۱۱/۷	-	۰/۰
متوسط بعد از انقلاب	۷۷۴۴۱۶	۶۹/۸	۲۷۸۶۵۸	۲۵/۰	۵۷۲۸۶	۵/۲
میانگین هر دوره	۶۵۳۹۷	۷۲/۵	۱۹۱۰	۲/۶	۳۳۸۱	۴/۸

(رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۱، ص ۸۹)



داده‌های آماری ارائه شده در جدول زیر به روشنی بیانگر توزیع نامتعادل انواع یارانه‌های پرداختی بین ساکنین شهری و روستایی است، به طوری که در دوران قبل از انقلاب به طور متوسط حدود ۷۰ درصد یارانه‌های پرداختی به نقاط شهری تخصیص می‌یافت، حال آن که رقم متناظر آن برای جوامع روستایی تنها ۳۰ درصد بود. اگر چه پس از انقلاب سهم دریافتی جوامع شهری به حدود ۶۳ درصد کل یارانه های پرداختی کاهش یافته هنوز این اختلاف چشم گیر است و بدین ترتیب مشاهده می‌شود که یکی از دلایل مهاجرت‌های روستایی در ایران، یعنی اختلاف درآمد خانوارهای روستایی و شهری که بخشی از آن معلول ساختار و الگوی توزیع نامناسب یارانه‌ها توسط دولت می‌باشد هنوز به قوت خود باقی است. این ادعا زمانی اعتبار بیشتری می‌یابد که به این امر توجه کنیم که بیش از ۵۰ درصد یارانه‌های تخصیص یافته به جوامع روستایی از نوع تولیدی (کودشمیایی) بوده و عملاً اقشار خوش نشین و خانوارهای کم‌زمین روستایی از آن منتفع نمی‌شوند. حال آن که زمین‌ها و انگیزه‌های مهاجرت در این اقشار که بخش مهمی از مهاجرین شهری را نیز تشکیل می‌دهند، بیشتر از سایر اقشار روستایی است.

در سال ۱۳۵۲ یارانه‌ی سرانه جوامع شهری و روستایی رقم ناچیزی، به ترتیب برابر با ۳۵۱/۷ و ۱۴۰/۹ ریال بوده است؛ اما در سال ۱۳۵۳ با افزایش ناگهانی قیمت نفت و به تبع آن

ارقام جدول شماره ۵ حاکی از آن است که از سهم یارانه‌های مصرفی که در سال ۱۳۵۸، ۹۰ درصد کل یارانه‌های پرداختی را به خود اختصاص می‌داده، به تدریج در سال‌های بعد کاهش پیدا کرده و در سال ۱۳۶۸ به ۶۹ درصد رسیده است. متقابلاً سهم یارانه‌ی تولیدی از ۹/۵ درصد به حدود سه برابر یعنی ۲۸/۸ درصد کل یارانه پرداختی در سال ۱۳۶۸ افزایش یافته است که نشانگر جهت گیری یارانه‌ها در راستای تولید است. علی‌رغم این که قبل از انقلاب یارانه‌های خدماتی نیز وجود داشت، این پرداخت‌ها در آن زمان توسط سازمان حمایت از مصرف کننده صورت نمی‌گرفت؛ به همین جهت در جداول مربوط به این دوره‌ی زمانی ارقام ذکر نشده است. شایان ذکر است بخش قابل توجهی از یارانه‌های خدماتی، پرداخت‌های یارانه‌ای مربوط به سیستم حمل و نقل درون شهری است که جوامع روستایی از آن بی بهره هستند و در نقاط شهری کشور نیز تنها شهرهای معدودی از سیستم حمل و نقل عمومی درون شهری برخوردارند (ضیائی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۱).

توزیع جغرافیایی انواع یارانه های پرداختی توسط دولت (شهری، روستایی)

آنچه در مورد یارانه‌های پرداختی توسط دولت حائز اهمیت است، چگونگی توزیع فضایی آن در سطح جوامع شهری و روستایی است.

جدول شماره (۶) میزان، درصد و سرانه یارانه‌ی پرداختی در کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی (میلیارد ریال)

سال	کشور		شهری		روستایی	
	کل مبلغ	سرانه	کل مبلغ	سرانه	کل مبلغ	سرانه
۱۳۵۲	۷۱۲۶	۳۳۳	۲/۵۸	۶۶	۲۴۱/۷	۱۴۰/۹
۱۳۵۳	۶۲/۰۳	۲۰۰/۷	۲۲/۵۱	۷۰	۳۰۱۲/۲	۱۱۱۰/۴
۱۳۵۴	۱۱۷/۱۴	۲۵۷۸	۹۲/۲۵	۷۹	۶۱۰۷/۵	۱۴۰۹/۸
۱۳۵۵	۸۳/۹	۲۳۹۱	۵۹/۲۶	۷۱	۳۷۴۲/۰	۱۳۷۸/۱
۱۳۵۶	۶۵/۲	۱۸۷۹	۲۲/۰۹	۶۴	۲۵۱۹/۲	۱۳۹۶/۵
۱۳۵۷	۲۲/۶	۱۱۷۰	۳۰/۲۶	۷۱	۱۷۳۲/۹	۶۵۲/۲
میانگین ۵۷-۱۳۵۳	۶۲/۳۳	۱۷۲۶	۵۲/۷	۷۰/۲	۳۳۱۱/۶	۱۷۱/۸
۱۳۵۸	۷۹/۲	۲۰۹۲	۳۹/۱۲	۶۳	۲۳۹۱/۵	۱۵۲۸/۴
۱۳۵۹	۳۷/۳	۹۵۰	۲۲/۵۱	۶۳	۱۲۰۲/۱	۷۰۴/۹
۱۳۶۰	۸۱/۳	۱۹۹۲	۵۱/۲۲	۶۴	۲۴۸۷/۲	۱۲۸۸/۳
۱۳۶۱	۱۰۹/۷۲	۲۵۸۷	۶۹/۱۳	۶۴	۳۱۸۵/۹	۱۶۶۷/۰
۱۳۶۲	۱۰۶/۰۷	۲۳۰۷	۶۵/۷۳	۶۲	۲۸۷۲/۵	۱۹۱۲/۰
۱۳۶۳	۱۲۰/۰۷	۲۶۲۴	۷۵/۷۳	۶۳	۳۱۴۲/۲	۲۰۵۷/۱
۱۳۶۴	۱۱۶/۳۵	۲۲۴۵	۷۳/۳۱	۶۳	۲۸۸۷/۹	۱۹۲۲/۵
۱۳۶۵	۱۲۷/۲۴	۲۵۷۵	۸۰/۲۴	۶۳	۳۹۹۹/۱	۲۵۷۶/۱
۱۳۶۶	۱۰۲/۵۸	۲۰۲۶	۶۵/۹	۶۳	۳۳۳۸/۱	۱۶۶۵/۱
۱۳۶۷	۱۷۰/۹۲	۱۷۰۵	۵۸/۰۷	۶۳	۱۹۵۵/۱	۱۴۳۷/۵
میانگین ۶۷-۱۳۵۸	۹۷/۳	۲۱۴۱/۲	۶۱/۳۲	۶۲/۹	۳۵۷۶/۶	۱۴۹۷/۳

(فقیهی، ۱۳۶۹، پایان نامه کارشناسی ارشد)



افزایش درآمدهای ارزی دولت یارانه‌ی سرانه‌ی شهری ۸/۵ برابر شد. و به رقم ۳۰۱۲/۲ ریال رسید. این رقم در جوامع روستایی به ۱۱۱۷ ریال افزایش یافت که نزدیک به ۸ برابر میزان سال قبل بود در واقع این تحول زمینه‌ای برای پدیدار شدن جامعه‌ای رانته‌ی شد که جستجوی رانته‌های توزیع شده او را به جابه جایی مکانی و مهاجرت به شهرها، به خصوص شهرهای بزرگ می‌کشاند (همان، ص ۲۶۲).

چنانچه میزان یارانه‌ی پرداختی را نسبت به جمعیت روستایی و شهری مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم این تمایز آشکار تر خواهد شد. در فاصله‌ی زمانی ۵۷-۱۳۵۳ متوسط سرانه پرداختی به جوامع شهری ۳۴۲۱/۶ ریال بوده است حال آنکه در همین زمان یک روستایی سالانه تنها ۱۱۷۱/۲ ریال به عنوان یارانه دریافت می‌کرده است؛ به عبارتی متوسط یارانه سرانه شهری سه برابر رقم متناظر آن برای جوامع روستایی بوده است. بعد از انقلاب این نسبت به میزان زیادی بهبود پیدا کرد و سهم جوامع شهری به حدود ۶۳ درصد کاهش

جدول شماره (۷) سهم ۵ قلم از کالاهای اساسی از کل یارانه‌ی پرداختی (۶۸-۱۳۵۶)

(شامل گندم، کود شیمیایی، قند و شکر، روغن نباتی و شیر)

سال	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	متوسط
درصد	۷۰	۶۵	۷۸	۱۰۰	۹۱	۷۶	۷۲	۹۰	۷۰	۹۱	۸۶	۹۱	۷۲	۸۱

(رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱)

جالب آن است که ۲۹ درصد یارانه‌ی پرداختی به کالاهای اساسی به یارانه‌ی گندم اختصاص داشته است که با توجه به آمار جدول شماره ۸ مشخص می‌شود که بیش از ۹۰ درصد آن در طی سال‌های ۶۸-۱۳۵۸ در شهرها توزیع می‌شده و عملاً روستاییان از آن بی بهره بوده‌اند. به بیانی دیگر سرانه‌ی گندم یارانه‌ی جامعه‌ی روستایی ۱۳۰ ریال و رقم متناظر آن برای جامعه‌ی شهری ۱۱۴۵ ریال یعنی حدود ۹ برابر جامعه‌ی روستایی بوده است. چنانچه متوسط یارانه‌ی پرداختی برای کل کالاهای اساسی را به تفکیک جوامع شهری و روستایی بررسی کنیم، با وضوح بیشتری مشخص خواهد شد که نظام پرداخت یارانه‌ی کشور اصولاً «شهرگرا» است. و بنابراین نمی‌توان بازتاب فضایی به جز «شهر گرایی» از آن انتظار داشت. طی سال‌های ۶۷-۱۳۵۸ به طور متوسط ۶۳ درصد از کل یارانه‌ی پرداختی به کالاهای اساسی به نقاط شهری کشور تخصیص یافته که اگر کود شیمیایی را که به طور ۱۰۰ درصد در نواحی روستایی توزیع می‌شود در محاسبه منظور نکنیم سهم جوامع شهری از کل یارانه‌ی کالاهای اساسی بالغ بر ۷۶/۳ درصد و سهم جامعه‌ی روستایی کمتر از ۲۴ درصد خواهد شد. در رابطه با جامعه روستایی باید به این نکته توجه شود که خوش نشینان بی زمین یا کم زمین و یا سایر اقشار روستایی که به امر زراعت اشتغال ندارند، عملاً از یارانه‌ی پرداختی بابت کود شیمیایی بهره‌ای نمی‌برند. قبل از انقلاب هزینه‌ی مواد خوراکی و دغانی در سبد هزینه خانوار شهری حدود ۳۹ و بعد از انقلاب حدود ۴۲ درصد بوده است. کالاهای اساسی مشمول یارانه به تنهایی در سال ۱۳۵۰، ۳۹/۶ و در سال ۱۳۶۷، نزدیک به ۴۹ درصد این هزینه را به خود اختصاص داده بودند. با توجه به

یافت که خود دال بر تعدیل ناموزونی موجود در تخصیص یارانه‌های پرداختی توسط دولت است. اما پس از انقلاب نیز هنوز نیمی از یارانه‌های پرداختی به روستا از نوع تولیدی بوده و بر خلاف شهرها که منافع یارانه‌ها بیشتر متوجه مصرف کنندگان و اقشار کم درآمد شهری می‌شود، خانوارهای کم درآمد روستایی با توجه به نوع یارانه‌ی پرداختی کم تر از آن منتفع شده‌اند. در سال‌های مورد مطالعه، یارانه‌ی سرانه‌ی شهری پس از انقلاب نسبت به قبل از انقلاب کاهش یافته، به طوری که در این سال‌ها متوسط یارانه‌ی سرانه‌ی شهری برابر ۲۵۷۶/۶ ریال و متوسط یارانه‌ی سرانه‌ی روستایی رقم ۱۴۹۷/۴ ریال بوده است که نشان می‌دهد علی‌رغم کاهش اختلاف یارانه‌ی پرداختی میان شهر و روستا پس از انقلاب هنوز این اختلاف قابل توجه است (ضیایی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵).

یارانه‌ها، در واقع بخشی از همان رانته‌ها هستند که توسط دولت به فعالیت‌های مختلف اقتصادی و یا خدمات و کالاهای مصرفی توسط اقشار مختلف مردم اختصاص می‌یابد. در نبود یک سیستم منطقی و عادلانه‌ی تخصیص و توزیع این رانته‌ها، جامعه‌ی در جستجوی رانته، به خصوص روستائیان و ساکنین شهرهای کوچک کشور را بر آن می‌دارد که به منظور برخورداری بیشتر از این خوان گسترده و دستیابی سریعتر به چرخه‌ی توزیع آن، به شهرها و به خصوص شهرهای بزرگ تر راهی این مراکز توزیع رانته بشوند. این واقعیت می‌تواند توسعه دهنده‌ی شهرنشینی شتابان و بی سابقه در ایران به خصوص از دهه‌ی پنجاه به بعد به شمار آید.

در مباحث گذشته به این مسئله اشاره شد که ساختار نظام یارانه‌ی کشور، قبل از آن که تولید و تولید کننده را هدف قرار دهد متوجه مصرف و مصرف کننده است این واقعیت را با کمک درصد یارانه‌های تخصیصی به طبقات سه گانه یارانه‌ها یعنی یارانه‌های تولیدی، مصرفی



نظام و الگوی یارانه‌های پرداختی به طور غیر مستقیم در راستای منافع جوامع شهری عمل می‌کند. همان طور که از ارقام جدول شماره ۹) استنباط می‌شود بخش زیادی از کالاهای توزیع شده توسط دولت به دلیل محدود بودن امکانات و عوامل تولید داخل کشور در رشد بیش از اندازه‌ی تقاضای داخلی از خارج از کشور تأمین می‌شوند. با توجه به این امر که مراکز تخلیه، نگهداری و توزیع این اقلام در شهرهاست، تنها عناصر شهری هستند که به میزان زیادی از منافع حاصل از ارائه این گونه خدمات و سرویس‌ها متنعم می‌گردند.

سهم هزینه‌های خوراکی و دخانی در سبد هزینه خانوارهای شهری و با توجه به سهم کالاهای اساسی مشمول پرداخت یارانه از این میزان و نهایتاً با عنایت به این که بیش از ۷۶ درصد یارانه‌ی تعلق گرفته به کالاهای اساسی به شهرها اختصاص می‌یابند، اولاً اهمیت و نقش یارانه‌های پرداختی توسط دولت در وضعیت معیشتی جامعه‌ی شهری آشکار می‌شود و ثانیاً «شهر مدار» بودن آن نیز به وضوح نمایان می‌گردد. (ضیائی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۸).

جدول شماره ۸) متوسط یارانه‌ی پرداختی برای کالاهای اساسی به تفکیک جوامع شهری و روستایی طی سال‌های ۶۷-۱۳۵۷ (میلیون ریال - ریال)

نوع	شهری		روستایی	
	مبلغ	% از کل	مبلغ	% از کل
گندم	۲۲۲۲۰	۹۱/۷	۳۰۰۰	۸/۳
قند و شکر	۱۰۴۵۰	۴۰/۰	۷۱۱۰	۲۰/۰
روغن	۴۲۵۰	۱۵/۰	۵۰۸۲	۱۵/۰
شیر	۶۹۷۱	۲۴/۰	-	-
کود	-	-	۲۱۴۸۰	۶۲/۰
سایر	۱۳۰۶۰	۴۵/۰	۲۷۵۰	۸/۰
جمع	۷۰۲۵۱	۶۲/۰	۲۱۲۵۲	۳۷/۰

(رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۱، ص ۱۰۶ و ۱۰۷)

جدول شماره ۹) سهم کالاهای اساسی در هزینه‌های خوراکی خانوار شهری به قیمت ثابت (درصد)

نوع	۱۳۵۰	۱۳۵۲	۱۳۵۴	۱۳۶۲	۱۳۶۴	۱۳۶۶	۱۳۶۷
سهم نان	۶/۰	۲/۲	۲/۷	۲/۵	۲/۵	۲/۰	۲/۲
سهم گوشت قرمز	۲۲/۹	۱۷/۷	۲۱/۸	۱۷/۶	۱۹/۶	۱۵/۵	۱۹/۷
سهم روغن نباتی	۲/۸	۲/۶	۵/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۹	۲/۶
سهم گوشت مرغ	۱/۱	۲/۶	۵/۶	۶/۵	۶/۷	۸/۵	۶/۶
سهم تخم مرغ	۱/۹	۲/۷	۲/۷	۵/۲	۲/۵	۲/۸	۱۰/۴
سهم شیر	۰/۸	۱/۱	۱/۵	۲/۹	۲/۸	۲/۵	۲/۲
سهم قند و شکر	۲/۱	۲/۲	۵/۳	۲/۹	۲/۶	۲/۲	۲/۲
جمع	۳۹/۶	۳۶/۱	۴۶	۴۲/۲	۴۲/۹	۴۰/۵	۴۸/۹

(رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۱، ص ۱۶۷)

جدول شماره ۱۰) متوسط کل و نسبت سرانه دریافتی به کل یارانه‌ی پرداختی به تفکیک جوامع شهری و روستایی قبل از انقلاب (میلیون ریال - ریال)

نوع	کشور		شهری		روستایی	
	مبلغ	سرانه	مبلغ	سرانه	مبلغ	سرانه
متوسط قبل از انقلاب	۶۲۴۷۸	۱۷۲۴	۴۵۵۷۵	۲۹۰۹	۱۷۹۰۳	۹۹۹/۵
متوسط بعد از انقلاب	۹۷۴۳۷	۲۱۴۱	۶۱۳۷۵	۲۵۷۴	۳۶۱۶۲	۱۷۲۷

(ضیائی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۰)



جمع بندی و نتیجه گیری

یارانه‌ها در واقع بخشی از رانتهای نفتی هستند که توسط دولت به نسبت‌های متفاوت به بخش‌های اقتصادی و اقشار مختلف مردم تخصیص داده می‌شوند.

ساختار و الگوی نظام یارانه‌ای کشور چه قبل از انقلاب و چه پس از انقلاب بیشتر متوجه مصرف و مصرف‌کننده بوده است تا تولید و تولیدکننده، این امر پس از انقلاب تا حدودی تعدیل شده و سهم بیشتری به یارانه‌های تولید تعلق گرفته است.

بیش از ۸۰ درصد یارانه‌ی پرداختی تنها به ۵ قلم از کالاهای اساسی تعلق می‌گیرند که با توجه به این که جامعه روستایی خود تولیدکننده اکثر این اقلام است، عملاً از این پرداختی‌های دولت بهره‌مند نمی‌شوند. جوامع شهری بزرگ‌ترین منتفع‌شونده از یارانه‌های مصرفی هستند، به طوری که در قبل از انقلاب حدود ۷۰ درصد و بعد از انقلاب حدود ۶۳ درصد پرداختی یارانه‌ها در سطح جوامع شهری توزیع شده است. یارانه‌های خدماتی تقریباً تماماً به جوامع شهری و بخصوص شهرهای بزرگ اختصاص دارند.

بر خلاف جوامع شهری که بخش اعظم یارانه‌ی پرداختی به آن‌ها از نوع مصرفی است و هر ترتیب اقشار فرودست جوامع شهری از آن بهره‌مند می‌شوند، در جوامع روستایی بخش اعظم یارانه‌ی دریافتی را یارانه‌های تولید (کود شیمیایی) تشکیل می‌دهد که شامل حال خانواده‌های بی‌زمین و غیر کشاورز روستایی نمی‌شود یعنی اقشاری از جامعه‌ی روستایی که زمینه بیشتری برای مهاجرت به شهر را دارند.

حدود ۴۹ درصد از هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوارهای شهری را کالاهایی تشکیل می‌دهند که مشمول یارانه‌های پرداختی توسط دولت می‌شوند، که بیش از ۶۳ درصد یارانه‌ی این گونه کالاها، به شهرها اختصاص دارد. بدین ترتیب اهمیت و نقش یارانه‌های پرداختی توسط دولت در کمک به وضعیت معیشتی و رفاه خانوارهای شهری آشکار می‌شود. در واقع دولت سطح زندگی را در شهرها به طور مصنوعی در حد مطلوبی نگه می‌دارد.

جوامع شهری به طور غیر مستقیم از نظام یارانه‌ای بهره‌مند می‌شوند. با توجه با این که بخش اعظم کالاهای مشمول یارانه از خارج از کشور وارد می‌شوند، سکونت گاه‌های شهری به عنوان مکان تخلیه، انبارداری و توزیع این کالاها از درآمدهای حاصل از ارائه این گونه خدمات نیز سود می‌برند.

پيامد فضایی این الگوی ویژه‌ی توزیع یارانه‌ها، تضعیف فعالیت‌های مولد اقتصادی از جمله فعالیت‌های کشاورزی از یک سو و جابجایی مکانی اقشار روستایی به شهرها از سوی دیگر است.

مردم به تجربه دریافته‌اند که نزدیکی فیزیکی بیشتر به چرخه‌ی توزیع رانت به معنای برخورداری بیشتر از این خوان گسترده خواهد بود. به همین دلیل آنها سعی می‌کنند که با جابجایی مکانی و مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ‌تر این فاصله را به حداقل برسانند. رشد و توسعه سریع شهر و شهرنشینی در ایران محصول درک این واقعیت توسط اقشار وسیعی از مردم است که شهرها را برای محل سکونت خویش برگزیده‌اند.

منبع:

- ۱- رحیمی، عباس و کلانتری، عباس، تحلیل و بررسی اقتصاد سوئیس، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۱.
- ۲- روزنامه‌ی اطلاعات، شماره‌ی ۱۹۲۲۲، سه شنبه ۴/۱۰/۱۳۶۹.
- ۳- فقیهی، محمد، بررسی تأثیر سیاست‌های حمایت دولت بر مصرف اقلام خوراکی تحت شمول، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی اقتصاد، ۱۳۶۹.
- ۴- نسیمی پور آذر، فیروز، بررسی انواع سوئیس‌ها و جنبه‌های مختلف اقتصادی آن، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۹.
- ۵- وزارت بازرگانی، برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی وزارت بازرگانی طی سال‌های ۷۲-۱۳۶۸، بخش سوئیس‌سید، تهران، ۱۳۶۸.
- ۶- ضیائی، محمود، تبیین نقش دولت در توسعه‌ی شهر و شهرنشینی در ایران، رساله‌ی دوره‌ی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا، تهران، ۱۳۷۹.

